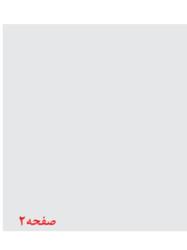




**رژیم صهیونیستی**

**شکست خورد**



صفحه ۲



**ظرافت جدال ایران با اسرائیل**

**و مساله فلسطین**

صفحه ۱۰



شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳- ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۶- ۲ نوامبر ۲۰۲۴- سال بیست و سوم- شماره ۶۲۹۲- ۱۲ صفحه- ۱۰۰۰۰ تومان

**نظر سنجی‌ها درباره رقابت ترامپ و هریس با چالش مواجه شده است**

# شرط‌بندی روی نتیجه انتخابات الکترال

صفحه ۱۱



**۸۳ درصد از کاربران اینترنتی ایران از فیلتر شکن استفاده می‌کنند**

# هزینه میلیاردی فیلترینگ در سبد خانوارها

صفحه ۶

## یادداشت

## با اسرائیل چه باید کرد؟

- جهانگیر محمودی نژادبان**
- قسمت اول

نخست درباره حملات جنایتکارانه اسرائیل به ایران که تاکنون منجر به شهادت ۴ پرسنل دلاور و عزیز ارتش جمهوری اسلامی شدد باید گفت که بدون هیچ تردیدی پاسخ در خور و پشیمان کننده امری ضروری و حتمی است. اما پرسش این است که اگر رژیم اشغالگر صهیونیستی در این درگیری‌ها از بین نرفت یا مشی خود را با پذیرش آتش بس دائم و امنیت‌ساز برای غزه و لبنان تغییر داد، باید با آن چه کنیم؟

لذا در این نوشتار، به بررسی پیشنهادهایی چون به رسمیت شناخته شدن اسرائیل به روش دو فاکتو و همچنین حمایت از طرح دو دولتی (فلسطینی- اسرائیلی) می‌پردازم. برای ارزیابی این دو پیشنهاد لازم است که در آغاز شناخت درستی از ماهیت و طبیعت اسرائیل داشته باشیم. به باور نگارنده می‌توان به این دو پیشنهاد اندیشید و با دقت بیشتری توجه نمود، ولی اولی امر نادره در اینجا به شیوه ماکس و بری به تحلیل و نخست به بررسی ماهیت و مبانی دشمنی صهیونیست‌ها با بشریت پرداخته، می‌کوشم روشن سازم چرا اسرائیل در کشتار غیر یهودیان اعم از مسلمان و کافر و مسیحی و زرتشتی یا هر فرقه دیگر کوتاهی نکرده بلکه با شوق و از روی احساس وظیفه و تکلیف دست به جنایت‌هایی می‌زند که قابل وصف نیست. بدون درک مبانی تفکر و باورهای صهیونیسم جهانی به ویژه صهیونیست‌های اسرائیلی امکان درک این پدیده و تحلیل صحیح درباره رفتار و پیش‌بینی رفتارها و اهداف آنها امکان ندارد. نگارنده در اینجا به شیوه ماکس و بری به تحلیل و تعریف بنیادها و مبانی عقیدتی و باورهای صهیونیست‌ها می‌پردازد. از آغاز تاسیس جمهوری اسلامی، کشور ایران بر پایه روشن‌بینی و هوشیاری کوشش نموده تا چهره کریه و جنایت‌بار صهیونیست‌ها را برپا سازد و با تشکیل جبهه مقاومت مانع اجرای نقشه‌های شوم ضد بشری این رژیم و حامیانش شود، لذا به شدت توسط تحریرها و انواع حملات مورد آسیب واقع شد، تا جایی که دشمنان ایران توانستند ذهن بسیاری از مردم را گمراه کرده و علت تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن را جاه طلبی‌ها و اهداف ایدئولوژیک بیان نموده‌اند. در حالی‌که گرچه ارزش‌های اسلامی یار و یاور ایران و جبهه مقاومت است، اما بیش از هرچیز و پیش از آن علت اصلی مقابله ایران با اسرائیل، وجود خطرانی است که این رژیم خونریز و جنایت کار علیه مردم ایران و منطقه از در قوم و قبیله و زبان و مذهب و عقیده‌ای و همچنین علیه کلیه مردم جهان در وجود خبیث و خونخوار خویش دارد. بنابراین اگر ضرورت مقابله با اسرائیل برپایه ارزش‌های دینی امری واجب و فرضیضای قطعی است، اما به معنای این نیست که همه چیز به دین برمی‌گردد تا در صورت لزوم به عنوان احکام ثانویه یا حکومتی از آن دست بکشیم، بلکه بیشترناشی از خطری است، که اسرائیل برای جان و مال و ناموس و هستی هر فرد و گروهی که یهودی نباشد، در پی دارد.

**تأثیرماهیت و ویژگی‌های اسرائیل بر موجودیت ایران**
دلیل اینکه بیشتر به ماهیت رژیم صهیونیستی می‌پردازم، این است که آن رژیم دولت‌ها و مجالس غریب را در چنگال اهریمنی خود گرفته تا به اهداف شوم و شیطانی و ناشی از توهم نژادپرستانه و ضدانسانی خویش نائل شود، لذا آنچه که از سوی آمریکا و اروپا از قبیل تحریم‌ها و غیره بر سر ما می‌آید بیشتر ریشه در خواسته‌ها و منافع شیطانی و بقای اهریمنی اسرائیل دارد بقائی که برابر با نیستی و بردگی و کشتار همسایگان بلکه همه بشریت است. زیرا این آمریکا و اروپا نیستند که وضعیت فعلی را به خاورمیانه و ایران تحمیل کرده‌اند بلکه اسرائیل و صهیونیسم

جهانی است که با عمله‌های غریب خویش خصوصا آمریکا اهداف خود را در منطقه ایجاد می‌کند. یعنی با اینکه آمریکا و اروپا از طریق مسیحیت صهیونیستی و کمک به صهیونیسم یهودی در ایجاد این رژیم جنایتکار با هدف مطامع استعماری نقش اساسی داشته‌اند، اما اکنون اسرائیل و سازمان‌های صهیونیستی هستند که آمریکا و اروپا را در کنترل خویش دارند. دلیل روشن ما به نحو س ساده اینکه از طرف آمریکا و اروپا هیچ نیروی سیاسی، نظامی و اقتصادی برای کنترل اسرائیل وجود ندارد اما از جانب اسرائیل و صهیونیسم جهانی سازمان‌ها، شخصیت‌ها و گروه‌های بسیاری مانند آپیک و جود دارند که به کنترل رجال سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و اروپا می‌پردازند. با این مقدمه اسرائیل براساس توهمات قوم برگزیده بودن خدا و نگرش‌های به شدت ایدئولوژیک و غیرمعقول و سیوعانه و دروغ‌ها و توهمات تاریخی با زور و زر و تزویر و با کشتنار بسیاری از مظلومان فلسطینی، کشوری در محلی که متعلق به مردم فلسطین است، به کمک استعمارگران ایجاد کرد، و بقای خویش را در نابودی، کشتار بردگی مردم جهان خصوصا منطقه خاورمیانه از جمله ایران می‌داند. لذا هیچ ربطی به عقیده اسلامی و ایمان ما ندارد بلکه کافی است که از نژاد بنی اسرائیل و یهودی نباشید تا هدف کشتار و بردگی واقع شود.

**علل و دلایل مذهبی تشکیل اسرائیل**

اما به واقع، مهمترین علت تحمیل این رژیم، دلایل مذهبی(آن هم از نوع متوهمانه و غیرمعقول و کامل‌ضد انسانی) صهیونیستی است و علت مهم دیگر اهداف استعماری است. لذا مجموعه این دو هدف، علت تامه و اصلی رژیم را تشکیل می‌دهند. درباره اهداف استعماری بحث‌های بسیار شده است اما درباره دلایل ایدئولوژیک تحقیقات اندکی وجود دارد. لذا برای بیان ویژگی‌های ایدئولوژیک اسرائیل به مباحثی در این باره می‌پردازم. در اینجا اشاره‌ای خلاصه وار به این دلایل مذهبی و توهمات ناشی از آن می‌نمایم. خواننده محترم در این بحث خواهد دید که اسرائیل چه خطرات بزرگی برای منطقه و مردم ایران و حتمی برای جهان از نظر ماهیت و ذات خویش دارد. ماهیت و ذاتی که علی‌رغم دوست یا دشمن بودن با آن، نهایتا اگر هوشیار نباشسیم و مانع آن نشویم، منجر به نابودی، تجزیه کشورها، بیچارگی، کشتار و آوارگی و بردگی مردم منطقه از جمله ایران خواهد شد. در این باره در ذیل به نگرش مذهبی صهیونیست‌ها درباره انسان‌های غیر یهودی می‌پردازم.

نگرشی که سخت به آن پایبند بوده و روزی نیست که در اجرای آن تردیدی به خویش راه دهند. اصالت اهداف ایدئولوژیک برای اسرائیل به حدی است که اکنون به تدریج بدون هماهنگی و همسویی با استعمارگران غربی و گاه در تضاد بامنافع آنان (بخصوص آمریکا) راه خویش را می‌رود. اکنون رجال غریب اگر قصد حکومت و ماندن پاییل به قدرت دارند بدون رضایت صهیونیست‌ها نمی‌توانند برایکه قدرت بمانند یا به آن نائل شوند. لذا کسانی مانند ترامپ که رئیس جمهور یک ابر قدرت است برای نیل به قدرت می‌کوشد تا سرسپردگی خویش را به صهیونیست‌ها پیش از پیش نشان دهد و دموکرات‌ها که منافع آمریکا را در چیز دیگری می‌بینند اما به ناچاردر این مسابقه سرسپردگی وارد مسابقه تا ترامپ شده‌اند.

**تلمود و فرقه‌های صهیونیستی**

مهمترین مبانی تشکیل رژیم اسرائیل تلمود(تلمود) و قرائت ویژه‌ای است که فرقه‌های یرفوق مذهبی صهیونیستی از تلمود دارند. تلمود از منظر صهیونیست‌ها همان انجیل شفاهی است

که در برابر انجیل مکتوب قرار دارد و علی‌رغم اینکه می‌گویند انجیل مکتوب توسط حضرت موسی(ع) به یهودیان رسیده است اما انجیل شفاهی یا تلمود که توسط علمای آنان همراه با تحریف به وجود آمده را بر انجیل مکتوب ترجیح می‌دهند. لذا گرچه عده‌ای اندک، مخالف این تلقی در میان یهودیان غیرصهیونیست هستند، اما تلمود اساس قضاوت‌ها و تصمیمات و استراژی‌های صهیونیستی است. با این توصیف به بخش‌هایی از آن که خطر وجود اسرائیل را تبیین می‌کند می‌پردازم که نشانگر ذات و ماهیت متناقض اسرائیل با ذات و وجود کشورهای منطقه (چه دوست و چه دشمن اسرائیل) از جمله ایران تاحد نابودی، کشتارو بردگی است. باید گفت که مطالب انقدر واضح و روشن است که به جز خائنان یا بی‌غیرت‌ان ملی نمی‌توانند آن را انکار کنند.

در اینجا ذکراین نکته لازم است که یهودیمان از منظر ما مسلمانان، اهل کتاب به شمار می‌آیند و حقوقی دارند که باید رعایت حقوق آنان بی معنا بود. با این توصیف گرچه در برهه شناختی که از انسان‌ها از جمله یهودیان دارد، وجود انسان‌های درستی را در میان آنها مورد تاکید و تایید قرار می‌دهد که البته دارای فطرت درست انسانی هستند، در غیر این‌صورت تاکید بر زمانی کنونی، عده وعده صاحب فطرتان پاک اندک است، اما با روشنگری خصوصا بخش درستکار آنان که در جنبش ضد صهیونیست در کشورهای مختلف به چشم می‌خورند به ویژه توسط خاخام‌های درستکار می‌توان به مبارزه و افشایگری علیه صهیونیست‌های جنایتکار و بالفطره وارد کارزار شد. درباره نقش مذهب در تشکیل رژیم صهیونیستی، مطالب وادله و مباحث فراوانی وجود دارد، ولی با توجه به اینکه فرصت محدود است به نکاتی مختصر اما موثر می‌پردازم.

**دلایل دینی برای تشکیل رژیم صهیونیستی**

در مباحث تلمود وبیانات و تفاسیرخاخام‌های صهیونیستی، مهمترین دلایل با توجه به تحریف‌ها به قرار زیر است.

۱) قوم یهود، قوم برگزیده خداست و این قوم حق حکومت برجهان را دارد.

۲) سرزمین فلسطین، سرزمین موعود و اصلی قوم یهود است و این قوم حق دارد که در آن سرزمین زندگی و حکومت کند.
۳) کلیه انسان‌ها به جز قوم یهود انسان نیستند و ازحیوانات به وجود آمده یا اینکه از منظر درجه خلقت برابر با حیوان هستند و به نقل دیگری از تلمود فرزندان شیطان هستند لذا باید نابود یا به بردگی برای خدمت به یهودیان گرفته شوند. به عبارت روشنتر از منظر تفکر صهیونیستی، انسان‌های دیگر «جنتیل» به شمار می‌آیند. بنابراین عقاید صهیونیستی «جنتیل‌ها» یا باید کشته شوند و این کشتن بهمانند کشتن یک حیوان باید باشد، یا اینکه چون فرزندان شیطان هستند باید کشته شوند، که البته باید به شکل جمعی کشته و نابود شوند. کشتن جنتیل‌ها اصلی‌ترین هدف و مهمترین تکلیف و فرض و واجب است اما می‌توان برخی از آنان را به بردگی گرفت تا برای یهودیان کار کرده و به آنان خدمات لازم را برسانند. بنابراین نگرش صهیونیست‌ها برپایه یک نوع نژادپرستی بسیار وحشتناک و ضد بشری برمبانی باورها و تکالیف شرعی دینی آنهاست.

۴) سرزمین موعود فقط به فلسطین محدود نمی‌شود. لذا چنانچه دو خط آبی در پرچم اسرائیل در دو طرف ستاره داوود، علامت نیل تا فرات است و به قولی نیل تا کراچی است، کشور ایران و ملت آن نیز جزو این نقشه است.

درباره نادرست بودن تلقی و برداشت صهیونیست‌ها از دلیل اول و دلیل دوم بحث‌های متوسطی توسط محققان مطرح شده است، لذا با عنایت به اختصار بحث از طرح تفدهای منطقی و عقلانی درباره این دو دلیل خودداری می‌کنم. اما دلایل‌های سوم و چهارم با توجه به اینکه وضعیت و سرنوشت منطقه از جمله ایران را تعیین و تبیین می‌کنند لازم است به اختصار درباره این

دو دلیل توضیحاتی داده شود.

**جنتیل‌ها**

درباره دلیل سوم مهمترین رکن آن مفهوم «جنتیل» است که باید در این قسمت توضیحاتی داده شود. چنانچه اشاره شد جنتیل‌ها کلیه افراد غیر یهودی هستند که باید به علت غیرانسانی بودن خلقتشان یا درجه پایین درخلقت انسانی کشته یا به بردگی گرفته شوند. در این باره تفاوتی نمی‌کند که جنتیل‌ها مسلمان، مسیحی، بودایی، زرتشتی، بت پرست یا خدا پرست باشند، هرچه باشند چون جنتیل هستند یا باید کشته شده یا اینکه به بردگی گرفته شوند، لذا راه سومی وجود ندارد. علیهذا این باوراست که در نزد صهیونیست‌ها کشتن انسان‌های دیگر اعم از نظامی و غیرنظامی وزن و کودک و بیروچوان امری ناشسی از تکلیف دینی است و در انجام آن احساس خوبی دارند. به آنها القا شده است. حتی کشتن کودکان (خصوصا مسیحی) و زبیرا از کودکی این مقوله به عنوان باور عادی و ایمانی و طبیعی صهیونیست‌ها فقط در صورتی که مجبور شوند و از روی ترس و خوردن آن، یا کشتن جوانان (خصوصاایرانی) و درست کردن شیرینی از خون آنان در عید پوریم و خوردن آن، از مراسم بسیار مهم مذهبی و مقدس یهودیان صهیونیست به شمار می‌آید. صهیونیست‌ها فقط در صورتی که مجبور شوند و از روی ترس و احساس خطر ممکن است، دست از کشتن جنتیل‌ها یا بردگی آنان بردارند، ولی در صورتی که فرصت پایند دوست و دشمن نمی‌شناسند. صهیونیست‌ها براساس عقاید خویش براین باورند که در برابر جنتیل‌ها (غیریهودیان) حق دارند که هرگونه عهد و پیمانی را بشکنند، لذا نمی‌توان به هیچ عهد و پیمان آنان نیز تکیه نمود. آنان با اینکه پیامبری رسول اکرم(ص) را قبول دارند اما می‌گویند چون ایشان، پیامبر جنتیل‌هاست از این روی معتقدند که یهودان دارای مقام بالاتری از حضرت محمد(ص) هستند، زیرا اوخود یک جنتیل است. این باور بی‌شرمانه‌ترین باوری است که در نزد خود دارند.

در حالیکه اگرآنان خویشتن را فرزند حضرت ابراهیم(ع) می‌دانند ادله زیاد و روشنی وجود دارد که پیامبر اکرم(ص) نیز از فرزندان ابراهیم(ع) است و البته بسیاری از مسلمانان (عرب و غیرعرب) از طریق وصلت با فرزندان رسول الله نیز فرزند ابراهیم هستند. اما آنان بدون هیچ دلیلی آن را انکار می‌کنند. لذا باید گفت وقتی با علم و یقین پیامبری رسول اکرم(ص) راقبول دارند و به نقل بدیلهی او را جنتیل یا کشتن یا برده شدن مسلمانان به طریق اولی یا مسلمان زاده‌هایی(که حتی ممکن است کافرشده باشند) امری روشن و مبرهن و بدیهی در نزد آنان است. در این باره می‌توانید با نگاه به گوگل با استفاده از کلید واژه جنتیل درویکی پدیا و غیره این موضوع را مطالعه کرده و بررسی کنید. مع الاسف برخی جاهلان اصرار زیادی دارند که خطر اسرائیل را کوچک شمرده و آن را تطهیر کنند. گروهی نیز که عمله دشمن هستند و آگاهانه خیانت می‌کنند به صورت سازمان یافته می‌کوشند علیهرم خطراتی که اسرائیل برای جان و هستی و امنیت مردم و تمامیت ارضی کشور دارد، مردم را خام و خواب کرده و کشور را برای قربانی شدن توسط صهیونیست‌ها آماده کنند.

**نقش عملی مذهب صهیونیستی در اسرائیل**

برخی ممکن است بگویند که رژیم اسرائیل، رژیمی سکولار است، لذا از عقاید مذهبی صهیونیستی فاصله دارد. اما گرچه این رژیم تلاش کرده تا چهره ای سکولار و غیرمذهبی و لیبرال از خویش ارانه دهد، ولی واقعیت اسرائیل، یک رژیم به شدت مذهبی است که گاه ظاهر، به علل مختلف، چهره و ذات مذهبی در ده تا پانزده سال گذشته، به شکل مختلف، چهره و روزنامه آن بیشتر آشکار شده است. چنانچه سرمقاله نویس روزنامه البته هارتنص در کشور صهیونیستی، درپی جنگ ۵۵ روزه اسرائیل در غزه حدود ده سال پیش یا بیشتر می‌نویسد: «پس از این عملیات

ما با جامعه تازمانی در اسرائیل مواجه خواهیم بود؛ به شدت ملی گرا، مذهبی در ایجاد مختلف، ششستسوی مغزی داده شده، نظامی‌گرا با کمترین حس عاطفه هنگام قربانی کردن طرف مقابل»!به نقل از آهوپی. مهدی- صهیونیسم مذهبی و نقش راهبردی آن در سیاست خارجی اسرائیل!، پیش‌بینی نویسنده صهیونیستی درست‌ است از اب در آمده و امروز اکثریت قریب به سرقاله فوق به آن اشاره نمود. ساده‌ترین دلیل برای اینکه اثبات شود رژیم صهیونیستی رژیمی مذهبی است «یهودی» بودن آنهاست. درست است که بسیاری از صهیونیست‌ها اعتقادی به دین و مذهب ندارندوآسان آن نژاد پرستی بر محور بنی اسرائیل است، اما نژاد برتر بودن را برپایه «قوم برگزیده خدا» و به استناد تورات و تلمسود اثبات می‌کنند و اهدافی که درباره سرزمین موعود(فلسطین و همچنین از نیل تافرات) بی می‌گیرند باز در تلمود و تورات تحریف شده وجود دارد. آنان بر خورد وحشیانه و غیر انسانی خود با غیر یهودیان را که جنتیل می‌نامند نیز به استناد کتب مذهبی خویش توجیه می‌کنند. به واقع اگر دلایل و اعتقادات مذهبی در میان نباشد از بن و اساس وجود اسرائیل و صهیونیسم آن هم در سرزمین مقدس و وجود بیت المقدس قابل پذیرش و توجیه نبود. حضور فرقه‌های مذهبی افراطی مانند حاسیم‌ها و گروه داتیم که در ایجاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اسرائیل نفوذ فراوان و گسترده‌ای دارند دلیل دیگری بر عمق و نفوذ مذهب یهودی صهیونیستی در اسرائیل است. با این توصیف ظاهر سکولاریستی این رژیم نباید کسی را فریب دهد. اینکه گفته می‌شود آنان یک ملت بدون سرزمین هستند، پهنای بیش نیست. زیرا آنان در کشورهای خود مانند مردم همان کشور زندگی کرده و می‌کنند، مگر اینکه مرتب جراثمی شوند که بدبهبی است مانند جرمین دیگر با آنان رفتار می‌شود. با واقع هدف اصلی آنان از تشکیل اسرائیل سلطه برجهان و کشتار یا به بردگی گرفتن جنتیل‌ها (یعنی همه بشریت غیر یهود به‌خصوص ساکنان خاورمیانه) است. لذا مهمترین جایی که باید به کنترل خویش در آوردن نیل تا فرات یا نیل تا کراچی است که ملت‌های خاورمیانه از جمله ایران در نقشه آنهاست، اما پس از این کار به سراغ باقی انسان‌های روی زمین می‌روند. داستان کشتار یهودیان در آلمان نیز گرچه با دروغ و مبالغه آن را بیان می‌کنند توطئه‌ای بود که خود صهیونیست‌ها با پرداخت پول‌های گزاف به هیتلر برای این کشتار ایجاد کردند. در این باره دلایل و استنادات روزه گارودی بسیار دقیق و قابل استناد است. به هر حال آنچه واقعیت دارد اینکه صهیونیست‌ها به شدت به عقاید انحرافی تلمود وفادارند و روزبه روز چهره مذهبی خویش را بیشتر آشکار می‌کنند.

دکتر مهدی آهوپی، استادیار دانشگاه در ادامه مقاله فوق که در سال ۹۳ نگاشته شده می‌نویسد: هدف این مقاله پاسخ به این پرسشش است که چرا وچگونه قرائت جزم اندیشانه از دین یهود با ملی‌گرایی افراطی و نظامی‌گری سبوعانه در غالب برداشت مدرن از صهیونیسم جمع شده‌اند (همان). ولی به نظر این نگارنده ماهیت مذهبی (البته با قرائت تحریف شده از دین یهود) عامل اصلی این تغییرات است، زیرا توجیه و فلسفه وجودی اسرائیل توسط مذهب قابل اجراءست و توجیحات دیگر به ویژه توجیحات حقوق بین‌الملل با عنایت به اشکالات اساسی آن قابل قبول نیست و نمی‌توانند در مرتبه نخست مردم اسرائیل را برای تداوم رژیم قانع کنند. همچنین این گفته ژان پل سارتر درباره وجود اسرائیل که در کتاب خود تحت عنوان ملت بی‌سرزمین و سرزمین بی‌ملت نوشته دروغی بیش نیست، زیرا هر یهودی در سرزمینی که در آن ساکن بودند مانند هر مسلمان یا هر مسیحی که در سرزمین‌های گوناگون پراکنده‌اند دارای سرزمین هستند البته سرزمین فلسطین دارای جمعیت ساکن خویش بود و این دروغ دیگری بود که ژان پل سارتر و امثال او گفته‌اند.